

دادگستری و پیشرفت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات

حسن محسنی* همایون رضایی نژاد**

چکیده

سامانه‌ی مدیریت پرونده‌های قضایی با هدف تسریع در دادرسی و افزایش کارایی آن در راستای تحلیل‌های اقتصادی دادرسی و ارزشیابی و بررسی کارآمدی آن به عنوان نوعی منطق نتیجه مدار در بسیاری از کشورهای و از جمله کشور ما مورد پذیرش قرار گرفته است. نظام حقوقی ایران در این زمینه نوپا و در عین حال پیشرفته است. زدودن تشریفات از دادرسی و آیین آن نیز به دو شکل «تشریفات زدایی حقوقی» و «تشریفات زدایی مادی» در حقوق قضایی در حال وقوع است. هدف نوع دوم استفاده از ابزارهای نرم به جای وسایل سخت در دادگستری به منظور ارتقاء کارآمدی ابزارهای مورد استفاده است. به تشریفات زدایی مادی به عنوان نتیجه استفاده از مدیریت پرونده‌های قضایی در حقوق ایران توجه شده اگر چه وضعیت قوانین و مقررات موجود ناکافی و نوپاست و توجه به برخی محدودیت‌ها در راستای اجرای بهتر در آن لازم به نظر می‌رسد.

* استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)

hmohseny@ut.ac.ir

** قاضی دادگستری، رئیس شعبه سوم دادگاه حقوقی، اسلامشهر homayoon.rezaei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۲۵

واژه‌های کلیدی: مدیریت پرونده‌های قضایی، رایانه، اینترنت، تشریفات نرم و تشریفات سخت.

۱. مقدمه

حل و فصل اختلافات در نظام دادگستری تابع اصول و مقرراتی است که به عنوان «آیین دادرسی» شناخته می‌شود. اگر چه کارکرد دادرسی (یعنی اجرای عدالت از طریق حل و فصل نمودن اختلافات) با تغییر و تحول فنون انجام آن دگرگون نشده ولی، بدان سان که پیشرفت فن‌آوری بر عرصه‌های مختلف زندگی تاثیر نهاده، دادرسی و آیین آن در شرف تاثیر پذیری جدی از این نوآوری‌های فنی است. امروز ناکارآمدی روش‌های مرسوم و سنتی ابلاغ اوراق قضایی، بایگانی پرونده‌ها، دسترسی به منابع اطلاعاتی مطمئن، بیم مفقود شدن اوراق و مدارک و حتی امکان پیگیری از راه دور وضعیت پرونده و ارسال لوایح و غیره با مطرح گردیدن پدیده‌های اطلاع‌دادرسی و پرهزینه بودن آن، به یکی از دغدغه‌های جدی نظام‌های حقوقی بدل شده است. پیشرفت‌های فنی گسترده‌ای در زندگی روی داده به گونه‌ای «تمدن انسانی دگرگون گردیده و جهان بینی نوینی ایجاد شده و تحولات ادوار باستان و عصر صنعت به «دوره الکترونیک» آمده است» (نقل با اندکی تغییر از: طاهری، ۱۳۸۲: ۸-۹). این پیشرفت‌ها در قضاوت به طور عمده در پذیرش «مدیریت پرونده قضایی»^۱ نمود یافته که مورد اخیر از جمله می‌تواند موجب «تشریفات زدایی»^۲ از دادرسی و آیین آن شود. مقصود از مدیریت پرونده قضایی استفاده از «فناوری اطلاعات و ارتباطات»^۳ در دادرسی به منظور دسترسی و تبادل اطلاعات میان دادگاه و اشخاص مرتبط با پرونده است. تشریفات زدایی نیز به معنای ایجاد انعطاف در شیوه‌های آیین دادرسی و ساده سازی آن‌ها با حذف تشریفات حقوقی و مادی است به نحوی که تشریفات‌گرایی مرسوم در دادرسی به سمت روش-های نرم و منعطف حرکت کرده یا ساده شوند. حقوق ایران در این باره بسیار نوپا اما، قوی و پیشرفته است یعنی هم سابقه‌ای از پذیرش جدی «سامانه مدیریت پرونده قضایی» در آن دیده می‌شود و هم رد و اثر زدودن تشریفات سخت و جایگزین نمودن

تشریفات نرم در آن محسوس است. با وجود استقبال نظام‌های حقوقی دنیا و از جمله کشور ما از توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در دادگستری، به نظر می‌رسد اصول و حدود آن چندان منقح نشده است. همچنین، با وجود این که نگارش نخستین مقاله در خصوص رایانه و حقوق به دهه ۶۰ میلادی بازمی‌گردد (ساکسی،^۴ ۱۹۹۴: ۱)، نوشته‌ها و به ویژه مقررات حقوق موضوعه در این زمینه بسیار فقیر و نوپاست. بر این بنیان، در مقاله حاضر در کنار تبیین نقش برخی از این پیشرفت‌های تکنولوژی در دادگستری که به منظور ترمیم ابزارهای دادرسی و تسریع و تقویت مقرر شده‌اند، به تشریفات زدایی و حدود و نمونه‌های آن در حقوق ایران خواهیم پرداخت.

۲. مدیریت پرونده‌های قضایی

در این بند، نخست به مفهوم مدیریت پرونده‌های قضایی با توجه به تجربه چند کشور مشهور می‌پردازیم و سپس، در مورد جایگاه آن در نظام قضایی ایران خواهیم نوشت.

۲-۱. مدیریت پرونده‌های قضایی با توجه به تجربه چند کشور

فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش روز افزونی در زندگی یافته و رایانه بسیار سریع جای خود را در زندگی بشر پیدا نموده است. هنگامی که به دادگستری مراجعه می‌کنیم رایانه شاید از نخستین ابزارهایی باشد که به کار می‌آید. از نوشتن دادخواست و شکایت گرفته تا صدور اخطاریه‌ها و دستورهای قضایی و ثبت و ضبط نمودن آن‌ها و سرانجام اصدار رای. فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز به معنای کاربرد سامانه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی و دیگر ابزارهای سخت و نرم است که مدیریت پرونده‌های قضایی در دادگستری یکی از نمونه‌های تاثیرگذار آن است. مدیریت پرونده‌های قضایی در این جا به معنای استفاده از سامانه‌ای است که اطلاعات و خدمات متناسب را به اصحاب دعاوی، قضات، وکلاء و کارشناسان، کارمندان دفتری و اداری از طریق رایانه ارائه می‌دهد. مدیریت پرونده‌های قضایی با مفاهیمی همچون کارایی و ارزیابی نظام دادگستری ارتباط دارد بدین نحو که با مدیریت پرونده‌های قضایی به کمک فن-

آوری رایانه‌ای می‌توان کارایی دادگستری را افزایش داد و در نهایت ارزیابی مطلوبی از دادگستری برای مراجعه کنندگان ایجاد نمود (برای مطالعه پیرامون کارایی دادگستری ر.ک: محسنی، ۱۳۸۹: ۲۶۷ به بعد). این آرمان ریشه در اصلاحات دستگاه قضایی و برنامه های اصلاحی توسعه‌ای و مدرن‌سازی دارد. از این منظر، به دادخواهان همچون مشتریانی یا مصرف کنندگانی نگریسته می‌شود که از مراجع قضایی به عنوان تهیه کنندگان انتظار دارند که در زمانی معین و با هزینه‌ای کم کالای یا خدمت مورد نظر آنان را فراهم کنند. این هدف میسر نیست جز با فراهم آوردن شرایطی که اجازه می‌دهد از لحظه دادخواهی تا زمان صدور رای و حتی اجرای آن بتوان بر تمامی رویدادهای هر پرونده و خصوصیات آن تسلط داشت و اصطلاحاً آن را مدیریت کرد (کادیه^۵، ۲۰۰۸: ۱۳۶). همچنین، بر پایه نظریه‌های «مدیریت عمومی جدید»^۶ اصولاً نباید میان مدیریت عمومی و مدیریت قضایی تفاوتی باشد از این رو، پیشرفت و توسعه در سایر بخش‌های مدیریت باید در دستگاه قضایی نیز که به ویژه غیرمنعطف و محافظه‌کارتر از سایر بخش‌هاست اتفاق یافتد (لامارزل^۷، ۲۰۰۸). پس، میان سامانه مدیریت پرونده و گسترش روزافزون رایانه به عنوان نماد مدرن‌سازی از یک سو و ارزیابی‌های اقتصادی دادگستری و کارآمدی آن از سوی دیگر ارتباط وجود دارد. هر چه به نقش زمان و هزینه به عنوان معیارهای برآورد کیفیت در دادرسی توجه می‌شود لزوم دگرگونی در ابزارها و استفاده از وسایل روز که سریع و مطمئن هستند بیشتر مطرح می‌گردد (حتی امروز گرایش‌هایی از لزوم اعمال قواعد ایزو (ISO) در فعالیت‌های قضایی نیز دیده می‌شود ر.ک: فورثیه^۸، ۲۰۰۲: ۱۹۷). احصای خدمات و اطلاعاتی که سامانه مدیریت پرونده قضایی می‌تواند ارائه دهد، با توجه به رشد روز افزون فناوری اطلاعات در دنیا، ممکن نیست (برای دیدن بحثی پیرامون سامانه حمایت از تصمیمات قضایی ر.ک: شویولبرگ^۹، ۱۹۹۸: ۹۳-۹۸). با وجود این، در سامانه مدیریت پرونده قضایی برخی از خدمات و اطلاعات محصول تجهیزاتی هستند که به طور مستقیم به قاضی و اشخاصی که در دادگاه حضور دارند کمک می‌کند مانند نرم افزارهایی که مربوط به نوشتار در محیط رایانه‌ای می‌گردند و به دادگاه اجازه می‌دهند تصمیمات خود را در پرونده الکترونیکی بنویسند. در قلمرو تحقیقات و پژوهش‌های

قضایی بسیاری از نرم افزارها و سی دی رم‌های نرم‌افزاری اینترنتی و اینترنتی^۱ در این سامانه به کار گرفته می‌شوند که به قضات اجازه می‌دهند حسب مورد تحقیقات و اطلاعات خود را در مورد هر پرونده به دست آورند، مانند آراء دادگاه‌های بالاتر و رویه قضایی و غیره. پیامگیر الکترونیک و پایگاه‌های الکترونیک رویه قضایی و ارتباطات اینترنتی از جمله امکانات دیگری هستند که در سامانه مدیریت پرونده قضایی مستقیماً به قضات و دیگر اشخاصی که در دادگاه هستند کمک می‌کند. سامانه‌های مربوط به ثبت پرونده و اداره آن با این نوع مدیریت جایگزین ثبت و ضبط سنتی و دفاتر چندگانه در دادگاه می‌شود که داده‌های به دست آمده از آن هم در مسائل مربوط به آمار ورودی‌ها و خروجی‌های پرونده و نوع و تعداد آن وابسته به ماه‌های سال و مکان‌های جغرافیایی به کار می‌آیند و هم می‌توانند در مسائل مربوط به برآورد بودجه دستگاه قضایی با توجه به این داده‌ها موثر باشند. و سرانجام تبادل اطلاعات الکترونیک میان خود دادگاه‌ها و اصحاب دعوای و به طور کلی تمامی اشخاصی که به نوعی با پرونده درگیر هستند. این نحوه مدیریت سایت‌های اینترنتی را فراهم می‌کند که اطلاعات متعددی را پیرامون سازماندهی فعالیت‌های قضایی و دادگاه‌ها در اختیار مراجعه کنندگان قرار می‌دهد مانند پیگیری وضعیت پرونده، امکان دریافت فرم‌های اقدامات قضایی و تحویل لوایح و دادخواست‌ها از طریق پست انفورماتیک به دادگستری، استفاده از سامانه پیام کوتاه برای اطلاع رسانی به مراجعه کنندگان. همچنین، در سال‌های رسیدگی دادگاه‌ها نیز می‌توان از سامانه‌های دیداری و شنیداری و تجهیزات رایانه‌ای متعددی مانند ویدئوکنفرانس، ویدئوپروژکتور، ثبت و ضبط دیجیتالی و غیره استفاده نمود. حتی این سامانه به دادخواهان نیز می‌تواند در نوشتن لوایح، دادخواست‌ها و شکایات کمک کند.

این نوع مدیریت جدید در دستگاه قضایی در بسیاری از کشورها مورد قبول قرار گرفته و اجرایی شده است. برای نمونه در انگلستان متعاقب گزارش معروف «لرد وولف» در سال ۱۹۹۶ با عنوان «دسترس به عدالت» به لزوم توجه به فناوری اطلاعات در دادگستری مدنی این کشور تاکید ویژه شد (ولف^۱، ۱۹۹۶). آقای وولف تحقق دادگستری عادلانه و کم هزینه و کارآمد و ساده و در دسترس را در گرو انجام این

اصلاحات و از جمله توجه به فناوری اطلاعات در دادگستری می‌داند (ر.ک: فصل ۲۱ گزارش فوق‌الذکر ایشان. همچنین برای دیدن تجربه‌ای دیگر در انگلستان ر.ک: رین^{۱۲}، ۲۰۰۱: ۱۱۵-۱۳۲). در ماده ۵ «قواعد آیین دادرسی مدنی» این کشور که با توجه به اصلاحات پیشنهادی لرد وولف تحریر شده به اسناد و مدارک الکترونیکی و نحوه ارائه آن‌ها به دادگاه تصریح گردیده و رهنمون عملی شماره ۵ ب ناظر به این اقدامات است^{۱۳}. در فرانسه نیز در پی تصویب «قانون ارگانیک مربوط به قوانین مالی»^{۱۴} که آن را قانونی انقلابی می‌دانند (مارشال^{۱۵}، ۲۰۰۸)، از سال ۲۰۰۶ تعریف نواقص اعتبارات وزارت خانه‌ها در مأموریت و برنامه الزامی گردید، امری که اهداف اعمال عمومی را بررسی نموده و نتایج آن‌ها را ارزیابی می‌کند. در حقیقت، به موجب این قانون روش ارزیابی از «منطق مبتنی بر وسیله»^{۱۶} به «منطق مبتنی بر نتیجه»^{۱۷} تغییر یافت و دادگستری نیز به نوبه خود به سمت ارزیابی کیفیت اعمال خود حرکت کرد. در حال حاضر بنابر گزارش «کمیسیون اروپایی برای کارآمدی دادگستری»^{۱۸} در سال ۲۰۱۰ فرانسه توانسته است در شیوه نوشتار الکترونیک، داده پیام الکترونیکی رویه قضایی، ای میل، ارتباط به اینترنت، ثبت پرونده‌ها، سامانه اطلاع رسانی در خصوص مدیریت دادگاه‌ها، سامانه اطلاعات مالی، فرم‌های الکترونیکی به طور کامل و در مورد پرونده‌های الکترونیک بیشتر از ۵۰ درصد و در خصوص سایت اینترنتی کمتر از ۵۰ درصد از کلیه معیارهای صدرالاشاره را در تمام کشور اجرا و عملیاتی نماید (گزارش کمیسیون اروپایی برای کارآمدی دادگستری، ۲۰۱۰: ۹۹ و همچنین برای مطالعه بیشتر ر.ک: ولیکوگنا^{۱۹}، ۲۰۰۷). همچنین، بر اساس بخشنامه اخیر وزیر دادگستری و آزادی‌های این کشور مورخ ۳۰ مارس ۲۰۱۱ تمامی وابستگان دادگستری مانند وکلا و کارشناسان و دادگاه‌های تجدیدنظر می‌توانند در دادرسی‌هایی که حضور وکلاء الزامی است به طور الکترونیکی و با استفاده از «دفتر الکترونیک»^{۲۰} تبادل اطلاعات نمایند. در این بخشنامه به امکان پژوهش‌خواهی و شرکت کردن در دادرسی از طریق الکترونیک عمومیت داده شده و از سپتامبر همان سال این نوع تبادل اطلاعات از حالت اختیاری خارج شده و الزامی خواهد گردید (بخشنامه مورخ ۱۳ مارس ۲۰۱۱: مندرج در روزنامه رسمی مورخ ۳۱ مارس ۲۰۱۱: ۵۶۰۰)^{۲۱}. امروز در اروپا بنا بر مراقبت‌های «کمیسیون اروپایی برای

کارایی دادگستری» که زیر نظر شورای اروپا فعالیت می‌کند شمار کشورهای که توانسته‌اند به سطح بالایی در این زمینه دست یابند کم نیستند که از میان آن‌ها می‌توان به فنلاند، اتریش، مالت، لوکزامبورگ، روسیه، ترکیه و پرتغال اشاره کرد (گزارش کمیسیون اروپایی برای کارایی دادگستری، ۲۰۱۰: ۹۹). در ایالت متحده آمریکا نیز «مدیریت پرونده یا عرضه الکترونیکی پرونده»^{۲۲} با هدف ایجاد اطلاعات تفصیلی برای وکلاء و عموم مردم با هزینه پایین اینترنت و نتیجتاً از بین بردن هزینه‌ها و تاخیراتی که پرونده‌های کاغذی به وجود می‌آورند و فراهم آوردن زمینه مدیریت شمار پرونده‌های مورد رسیدگی برای قضات و اتخاذ تصمیم به شکلی کارآمدتر، از دهه ۹۰ مورد توجه مقنن این کشور قرار گرفت و توسط «دفتر اداری دادگاه‌های ایالات متحده»^{۲۳} گسترش یافت. این سامانه که در دادگاه‌های فدرال استفاده می‌شود از سخت افزارهای رایانه‌ای استاندارد، ارتباط اینترنتی و یک مرورگر استفاده می‌کند و مدارک را برای ارتقاء امنیت و امکان بایگانی بهتر با ساختار «پی دی اف»^{۲۴} می‌پذیرد (برای مطالعه پیرامون مزایا و معایب این سامانه در آمریکا ر.ک: والتون و مک دو^{۲۵}، ۲۰۰۲؛ بینیخلف و جلیناس^{۲۶}، ۲۰۰۵: ۸۸-۸۹. همچنین برای مطالعه دیگر روش‌ها ر.ک: برنتینگ^{۲۷}، ۱۹۹۸: ۲۱۴-۲۲۹). سامانه «دسترسی عمومی به سوابق الکترونیکی دادگاه»^{۲۸} هم در معیت سامانه مدیریت پرونده به شهروندان کمک می‌کند تا اطلاعات الکترونیکی دادگاه‌های فدرال را از طریق اینترنت دریافت کنند. هر یک از ایالات این کشور نیز از سامانه‌ای مشابه بهره می‌برند. جایگاه این نوع مدیریت در نظام قضایی ایران موضوع بند آتی است.

۲-۲. جایگاه مدیریت پرونده‌های قضایی در ایران

به جرات می‌توان نوشت که موقعیت نظام اداری- قضایی ایران در زمینه پذیرش و استقرار سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی بسیار امیدوار کننده است. امروز به هر مجتمع قضایی در سراسر کشور که مراجعه می‌شود تاثیر فناوری اطلاعات و رایانه مشهود است. اما، درباره این که چنین تحول عظیمی در مدیریت اداری- قضایی دستگاه قضایی کشور چگونه و در چه دوره زمانی و با چه هزینه‌ای محقق گردیده کمتر نوشته‌اند.

بررسی قوانین و مقررات زیربنایی و توسعه‌ای کشور نشان می‌دهد که در بند ۵ قسمت ز ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ قوه قضاییه مکلف می‌شود نسب به «طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات (M.I.S.)»^{۲۹}، عملیات و مدیریت قضایی به منظور سرعت بخشیدن به عملیات و مدیریت کارآمد، اصلاح فرآیندها و بهبود روش‌های انجام امور قضایی، تا پایان برنامه چهارم» اقدام نماید. مقصود از نظام جامع اطلاعات به طور عمده سامانه‌ای مبتنی بر رایانه است که به اداره کننده اجازه می‌دهد با این ابزار اقدام به سازماندهی و ارزیابی بخش‌های تحت اداره خود نموده و آن‌ها را کارآمد نماید. در حقیقت منظور از نظام جامع اطلاعاتی بهره‌مندی از هرگونه ابزار رایانه‌ای است که امکان اجرای کارآمدتر را فراهم می‌کند. با وجود این، پناهر آن چه که در اثر اخیر الانتشار «معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه» که به همت دو تن از دست‌اندرکاران طراحی سامانه مدیریت پرونده قضایی نوشته شده است مطالعه پیرامون این سامانه در تیر ماه سال ۱۳۸۰ آغاز و پس از گذشت ۷ سال، در اسفند ۱۳۸۷ نتیجه مطالعات و بررسی‌ها و آزمون‌ها در سراسر کشور اجرایی گردیده است (شاهسونند و خجسته بخت، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۶). این کار بزرگ مراحل متعدد و پیچیده‌ای را، از جمله برگزاری جلسات آماده سازی اولیه، شناخت و مدل سازی فرآیندهای قضایی، تحلیل و بررسی فرآیندها، تحلیل آماری پرونده‌ها و مراجعان، تحلیل آماری وضعیت رسیدگی به پرونده‌ها، نظر سنجی از مراجعه کنندگان به مجتمع قضایی، طراحی اولیه و ساخت نمونه، ساخت و راه اندازی نسخه آزمایشی سیستم در «مجتمع قضایی عدالت»^{۳۰}، ساخت نسخه مرجع، ساخت و راه اندازی اولین نسخه عملیاتی سامانه، پشت سر نهاده تا در اسفند ۸۷ سرانجام در سراسر کشور (یعنی تقریباً در ۸۰۰۰ شعبه دادگاه) اجرا گردیده است. سامانه ایرانی مدیریت پرونده قضایی به معنای «سیستمی برای کمک به اشخاص مرتبط با پرونده قضایی (شامل کادر اداری و قضایی دادگاه‌ها، کادر اداری و مدیریتی قوه قضاییه و اصحاب دعوی [و نمایندگان آنان] برای دریافت اطلاعات و مدیریت بهتر پرونده‌های قضایی با استفاده از تسهیلات فناوری اطلاعات و ارتباطات» است که اهداف و دست‌آوردهای اعلام شده آن را می‌توان در چند بخش خلاصه نمود:

افزایش کیفیت دادرسی با ایجاد بانک اطلاعات مرکزی برای پیشینه همه پرونده‌های قضایی کشور و کمک به جلوگیری از طرح دعاوی تکراری در مراجع قضایی متعدد و امکان دسترسی به آرای مراجع مختلف قضایی و قانونی و تسریع در دسترسی به اطلاعات سجل قضایی افراد؛

افزایش سرعت دادرسی با تسریع در برقراری ارتباط مراجع قضایی با سایر مراجع تابعه و کاهش اشتباهات کارکنان شعب در تنظیم اوراق قضایی و کمک به کاربران در رعایت مهلت‌های قانونی از طریق یادآوری زمان‌های مهم پرونده و تسریع در یافتن اطلاعات با استفاده از جستجوی رایانه‌ای؛

ارتقای توان ارزیابی و نظارت قضایی با ارزیابی وضعیت رسیدگی به پرونده‌های قضایی مختلف در سراسر کشور و دریافت یا تهیه انواع گزارش‌های دوره‌ای، موردی، مقایسه‌ای یا تطبیقی و تحلیلی و یافتن کاستی‌های آموزشی و تجربی قضات و کارکنان امور قضایی از طریق بررسی آراء و تصمیمات صادره و کمک به توزیع مناسب پرونده‌ها در شعب؛

ارائه خدمات الکترونیک به مردم با پاسخگویی و ارائه اطلاعات وضعیت پرونده و اطلاع رسانی در موارد مهم پرونده به طرفین از طریق ارسال پیامک و ارسال ابلاغ‌ها از طریق پست الکترونیک و دریافت لوایح و دادخواست‌ها و شکواییه‌ها از مردم از طریق اینترنت و ساماندهی سراسری شماره پرونده؛ و

اصلاح نظام آماري قوه قضاييه و ايجاد زمينه برنامه‌ريزي و پژوهش با دست‌یابی به اطلاعات کارکرد محاکم و ویژگی‌های آن و تهیه تحلیل‌ها و گزارش‌های جمعی و مقایسه‌ای در مورد تصمیمات دادگاه‌ها، کمک به سنجش پیامدهای قضایی قوانین بر حسب پرونده‌های قضایی مرتبط و امکان پژوهش‌های جرم‌شناسی بر حسب مناطق جغرافیایی و جمعیت‌شناسی (شاهسوند و خجسته بخت، ۱۳۸۸، ۶۷-۷۰).

تحلیل ویژگی‌های فنی این سامانه عظیم ملی قطعاً از عهده نگارندگان بیرون و بی‌گمان از حوصله این مقاله افزون است اما، آن‌چه که مطالعات اثبات می‌کند چیزی جز توان بالای مهندسی، حقوقی و مدیریتی است که در نهایت در صورت اجرای کامل

موجب افزایش کارایی دادگستری می‌گردد. سامانه‌ای که استقرار و بهره‌برداری از آن در بسیاری از کشورهای اروپایی بیش از ۲۰ سال به طور انجامیده در کشور ما ظرف مدت ۷ سال و اندی عملیاتی گردیده است. قوه قضاییه نیز با طراحی وب سایت اختصاصی <www.judcms.ir> و اخیراً <www.adliran.ir> برای بخش پاسخگویی این سامانه زمینه را برای برقراری ارتباط دوطرفه میان این دستگاه و دادخواهان فراهم نموده است، اگر چه تمامی بخش‌های این سایت که متشکل است از ارائه دادخواست^{۳۱}، شکواییه و لوایح و پیگیری و اصلاح آن و پیگیری آخرین وضعیت پرونده و ابلاغ به کارشناس هنوز راه اندازی نشده است و این خود کارایی طراحی این سامانه را تحت الشعاع قرار داده و حرکت شناساندن آن به جامعه و به ویژه جامعه علمی و دانشگاهی کشور را کند می‌کند.

علی‌رغم برخی کاستی‌ها و اجرا نشدن تمامی دست‌آوردهای اعلام شده در حال حاضر، به نظر می‌رسد آینده این سامانه با تصویب قوانین و مقررات کارآمد، درخشان‌تر و روزآمدتر خواهد بود. بی‌گمان، اگر بتوان از تمامی اهداف این سامانه هر چه زودتر بهره‌برداری کرد و مرزهای سنتی و کند دادخواهی از دادگستری را با توسل به فناوری اطلاعات در نوردید و نتایج و داده‌ها و تحقیقات و رویه قضایی را در اختیار استادان و پژوهشگران قرار داد، بسیاری از مشکلات جامعه ایرانی به طور کلی و جامعه حقوقی به طور خاص مرتفع می‌گردد.

در این راستا باید به بندهای متعددی از ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ (ر.ک: روزنامه رسمی شماره ۱۹۲۰۴- مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۴) اشاره نمود که به گسترش مدیریت پرونده قضایی تصریح کرده که خود گویای درجه اهمیت آن است. بند ح این ماده مقرر داشته است که: «به منظور افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضائی، قوه قضائیه مکلف است اقدامات زیر را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام دهد: یک) سامانه‌های عملیاتی و توسعه سطح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌ویژه سامانه مدیریت پرونده‌های قضائی، راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه، اجراء و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات، عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم، استفاده از فناوری

اطلاعات در برقراری ارتباط بین مراجع قضائی و سایر نهادهای تابعه یا مرتبط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها، سازمان پزشکی قانونی راه‌اندازی، گسترش و ارتقاء یابد.^{۳۱} همچنین، بند ک این ماده قوه قضائیه را مکلف نموده است تا سامانه الکترونیکی کاهش زمان دادرسی را در کلیه مراجع قضائی طراحی کرده به نحوی که در این سامانه علت تجدید وقت رسیدگی برای اصحاب دعوا معلوم و قابل دسترسی باشد و وقت رسیدگی به پرونده‌ها با در نظر داشتن اوقات فوری خارج از نوبت به‌طور خودکار تعیین شود و مدت زمان رسیدگی به پرونده در محاکم کیفری حداکثر سه ماه و پرونده‌های حقوقی حداکثر پنج ماه بیشتر نباشد و در صورتی که موضوع دعوا به نحوی باشد که برای تکمیل پرونده و صدور رأی به زمان بیشتری نیاز باشد، این امر با ذکر دلیل به مقام بالاتر اعلام می‌شود به گونه‌ای که برای اصحاب دعوا نیز قابل دسترسی باشد و سرانجام این که رؤسای حوزه‌ها موظف باشند با نظارت مستمر وقت رسیدگی به پرونده‌هایی که معده تصمیم‌گیری بوده و بدون علت منتهی به تصمیم نگردیده‌اند را ضمن تذکر به قاضی و اعلام به مراجع ذی‌صلاح معین نمایند. مقررۀ اخیر اگرچه از منظر عدم توجه به ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های هر پرونده و زمان رسیدگی بدان محل نقد است اما در مجموع بیانگر استمداد از فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت برطرف نمودن اطاله دادرسی در دستگاه قضایی است.

به نظر می‌رسد در حال حاضر دستگاه قضایی از آن چه که در قانون برنامه پنجم توسعه در زمینه استقرار سامانه مدیریت پرونده قضایی آمده جلوتر است. این پیشروی موجب ایجاد فاصله مطمئن میان پذیرش راه‌اندازی سامانه مدیریت پرونده قضایی و قوانینی شده است که که اخیراً توسعه آن را در دستور کار قرار داده‌اند. بر این اساس، قوه قضائیه می‌تواند با تامین مالی و پشتیبانی حقوقی و مدیریتی، نواقص موجود را برطرف نموده و قوی تر به سوی تحولات آینده پیش برود.^{۳۲} نواقصی همچون محدود بودن عناوین طراحی شده در این سامانه به نحوی که در برخی موارد دادگاه نمی‌تواند تصمیم خود را در قالبی پیش بینی شده در سامانه تعریف کند، متصل نبودن آن به سایر بخش‌های اداری کشور از جمله نهادهای دولتی برای دریافت استعلامات که در اطاله دادرسی تاثیر مستقیم دارد، یک طرفه بودن ارتباط دادگاه با اصحاب دعوا بدین معنا که

هنوز امکان تبادل اطلاعات از دادخواهان به دادگاه اجرایی نشده، کمرنگ بودن نقش وکلای دادگستری به عنوان اشخاص حرفه‌ای و مطلع در فرآیند استفاده از آن، پیش بینی نکردن شرایط خاص برای پرونده‌های ویژه مانند پرونده اشخاص نیازمند حمایت با توجه به حجر و اعلام نکردن میزان تحقق دست آوردهای اعلام شده قابل توجه‌اند. همچنین، دستگاه قضایی در این راستا باید به حدود و آثار تشریفات زدایی از دادرسی توجه نماید که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

مدیریت پرونده قضایی با استفاده از امکانات رایانه‌ای به تعبیری موجب نرم شدن ابزارها و کاستن از تشریفات مادی و شکلی و کاغذی در رسیدگی‌ها می‌گردد که در بند آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. تشریفات زدایی از دادرسی و آیین آن

نخست مفهوم تشریفات زدایی و حدود آن و سپس، نمونه‌هایی از آن در نظام حقوقی ایران در این بند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱. مفهوم تشریفات زدایی و حدود آن

دادرسی اصولاً تشریفاتی بوده و اصل بر تشریفاتی بودن آن است (محسنی، ۱۳۸۹: ۵۵ به بعد). در این معنا دادرسی بر پایه مجموعه‌ای از مقررات از پیش مقرر و معلوم انجام می‌شود که ضامن امنیت و طمأنینه هستند و مانع هرج و مرج و بی بند و باری در دادرسی می‌شوند. مقصود از تشریفات زدایی «حذف تشریفات حقوقی و مادی از آیین دادرسی» است. به این منظور، تشریفات را می‌توان از منظر قانونی و مادی به دو دسته «تشریفات حقوقی» و «تشریفات مادی» تقسیم نمود اگر چه تجویز مورد اخیر نیز ریشه در حکم قانون دارد. بر این اساس، هنگامی که در قوانین دیده می‌شود که مقنن به دلایلی همچون افزایش سرعت دادرسی و کاستن از هزینه اقتصادی متداعیین از عبارت «بدون رعایت تشریفات» استفاده می‌کند (ر.ک: محسنی، ۱۳۸۵: ۱۱۲-۱۲۱)، هدف وی حذف تشریفات قانونی طرح دعوا و دفاع یا اعمال و اقدامات متداعیین و دادگاه است

که باید بدان «**تشریفات زدایی حقوقی**» گفت. شمارش قوانینی که از این عبارت استفاده کرده‌اند مقدور نیست اما، قدر متیقن این است که حذف تشریفات حقوقی دادرسی ممکن نیست مگر تنها به اراده مقنن، و تبعاً سکوت و اجمال و ابهام در خصوص حذف یا عدم حذف تشریفات در خصوص مورد، باید موافق اصل که همان تشریفات بودنی دادرسی است تفسیر شود. «**تشریفات زدایی مادی**» از دادرسی و آیین آن به معنای از بین بردن ابزارها و وسایل مادی و کاغذی دادرسی است که مستقیماً ناشی از پذیرش پیشرفت فناوری ارتباطات و اطلاعات و ابزارهای مربوط در دادرسی و آیین آن است. این نوع تشریفات زدایی بدان سان که تبیین گردید در خدمت تحلیل-های اقتصادی و ارزیابی کارای دادگستری است و بر خلاف تشریفات زدایی حقوقی صرفاً به منظور کاستن زمان انجام کار و هزینه‌های قانونی به واسطه عدم رعایت مقررات قانون، پیش بینی نشده است. بنا بر این، با پیشرفت سریع فناوری، پیشرفت سریعی هم در ابزارهای دادرسی روی خواهد داد و ابزارها از سخت و مادی به نرم و رایانه‌ای تبدیل می‌شوند که در ارزیابی کیفیت و کارآمدی آن موثر است. توجه به پرونده الکترونیکی و نوشتن و تصمیم گرفتن پیرامون پرونده در محیط مجازی و تبادل اطلاعات الکترونیک میان دادگاه و اصحاب دعوا و نمایندگان آنها و پذیرش اسناد و مدارک با ساختار الکترونیک برای نمونه از آثار تشریفات زدایی مادی از دادرسی هستند که موجب حذف ابزارهای مادی همچون برگ‌های کاغذی شکایت و

دادخواست و اخطار و ابلاغ و پرونده‌های قطور قضایی گردیده و اصطلاحاً آیین دادرسی را انفورماتیک (یا شماره‌ای^{۳۳}) می‌کنند (گنشار^{۳۴}، ۲۰۰۶: ۳-۴). این نوع تشریفات زدایی که به نوبه خود موجب تسریع در دادرسی با از بین بردن مرزهای سنتی زمان و ورود به عرصه قابلیت‌ها و توانایی‌های رایانه‌ای اشخاص در جامعه می‌شود، بی‌گمان کارکرد اقتصادی دارد. بنا بر این، برخلاف تشریفات زدایی حقوقی که اصولاً نتیجه شهرت بد تشریفات‌گرایی افراطی در دادرسی است، تشریفات زدایی مادی یا شماره‌ای کردن آیین دادرسی ماحصل پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات است. پذیرش «سامانه مدیریت پرونده قضایی» و استفاده از فناوری ارتباطات و

اطلاعات نیز موجب گردیده تشریفات دادرسی تحت شعاع قرار گرفته و بسیاری از آن‌ها بی موضوع شوند. برای نمونه، چه گونه می‌توان مواد ۴۸ به بعد آیین دادرسی مدنی در خصوص دادخواست و تکالیف رئیس شعبه اول و مدیر دفتر کل و مدیر دفتر شعبه را با وجود سامانه مدیریت پرونده قضایی توجیه نمود که بسیاری از این اقدامات را با کمک نرم افزارهای موجود انجام داده و قاضی به جای استفاده از کاغذ و پوشه و پرونده، در محیط الکترونیک می‌نویسد و دستور می‌دهد؟ چه طور ممکن است ارسال و دریافت پیامک و رایانامه (ای میل) را جایگزین انواع ابلاغ مذکور در مواد ۶۷ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی و به ویژه گواهی مامور ابلاغ به عنوان رکن اعتبار دهنده به این کار نمود؟ اوقات رسمی کار در محاکم و دفاتر دادگاه‌ها که از ساعت اداری تبعیت می‌کند را چه گونه می‌توان با زمان دیجیتال رایانه توجیه کرد که به معنای واقعی اعداد ثانیه و دقیقه و ساعت را محاسبه می‌کند؟ اگر شخصی که ۱۰ روز فرصت رفع نقص دارد آیا می‌تواند این کار را در ساعت ۲۳ و ۵۹ دقیقه روز اقدام انجام دهد حال آن که در آن زمان قطعاً دادگستری تعطیل است؟ هنگامی که سامانه مدیریت پرونده قضایی که از نظام ارجاع رایانه‌ای استفاده می‌کند موجب می‌گردد امکان اخذ پرونده پس از ارجاع از شعبه مرجوع الیه وجود نداشته باشد، تاکید به این قاعده در ماده ۳۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی پس از اجرای این سامانه چه کارکردی می‌تواند داشته باشد؟ همچنین، با فرض تاثیرپذیری مفهوم، شمار، و قابلیت پذیرش ادله از این پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات آیا تغییر و تبدیل در مقررات دادرسی در این زمینه لازم نیست؟ (برای مطالعه در خصوص تاثیر نتایج رایانه‌ای بر دلیل ر.ک: تاپر^{۳۵}، ۱۹۹۵: ۷۶-۹۳).

پرسش‌هایی از این دست بسیار است و پاسخ‌ها نیازمند گذر زمان و اختیار سکوت در برابر حرکت رو به جلوی فناوری اطلاعات و ارتباطات. به هر روی، با وجود این که بسیاری از عادات قضایی ما در حال تغییر است و بدان سان که نوشته اند در آینده- ای نه چندان دور تغییرات گسترده در مقررات قوانین آیین دادرسی و حتی منطق و استدلال حقوقی لازم خواهد بود (کول^{۳۶}، ۱۹۹۹: ۱۳۲)، به قول استاد «حمایت از حقوق دفاعی رعایت برخی تضمینات را به منظور احتراز از آسیب‌پذیری طرف ضعیف‌تر از این تحولات لازم و ضروری می‌نماید» (کادیه، ۲۰۰۸: ۱۴۷). بر این اساس، آن چنان که

در جایی دیگر پیرامون تشریفات زدایی حقوقی بیان گردید (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۱۲-۱۲۱؛ محسنی، ۱۳۸۹: ۵۹)، رعایت اصول بنیادین دادرسی مانند بی‌طرفی، تقابلی بودن دادرسی، اصل حقوق دفاعی، اصل تسلط و بالجمله اصولی که دادرسی و عدالت نام خود را از آن‌ها به دست آورده است، با توجه به تغییرات آتی و تبدیلات پی‌در پی در ابزارها، گزیرناپذیر است. پس، از جهت لزوم رعایت اصول دادرسی میان این دو نوع تشریفات سخت و نرم جدایی نیست و تفاوت صرفاً در نحوه رعایت آن‌هاست. برای نمونه نمی‌توان وجود نرم‌افزار در رایانه را که نسبت به موضوعات یکسان عمل می‌کند دلیل بی‌طرفی قاضی رسیدگی‌کننده دانست و یا از رایانه خواست تا مراقب تقابلی بودن دادرسی باشد. بر این بنیان، شناخت برخی حدود در تشریفات زدایی به منظور لطمه وارد نشدن به اصول دادرسی لازم است.

نخست این که می‌توان گفت یکی از حقوق اصلی متداعیین حق اظهار نظر در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش روش جدید دادخواهی و ابلاغ است (کروز، ۲۰۰۹: ۱۶). هر یک از متداعیین حق دارند مادام که قانون صراحتاً طرق سنتی دادخواهی مانند تقدیم دادخواست کاغذی و ابلاغ سنتی را به کلی حذف ننموده، پیرامون ابلاغ اوقات دادرسی و مفاد دادخواست و ضمائم آن از به طریقه الکترونیکی اظهار نظر کرده و بدان رضایت داده و ای بسا آن را نپذیرد. شناسایی این حق موجب می‌گردد زمینه حمایت از طرف ضعیف‌تر و ناآشنا تر به ابزارهای نرم حفظ گردد.

دوم آن که، زمان و ساعت رایانه‌ای را باید متناسب با توانایی بشر به کار برد. درست است که رایانه بسته به قدرت فنی‌اش می‌تواند در یک ثانیه چند صد عملیات را انجام دهد ولی، نمی‌توان از انسان انتظار داشت همچون رایانه در چند ثانیه اسناد و مدارک و دلایل را برای دادگاه تهیه کرده یا آن را به طرف مقابل ابلاغ نماید.

سوم آن که، بایسته است از دخالت حافظه ناپویا در تصمیم‌گیری قضایی جلوگیری شود. با توجه به ویژگی‌های انسانی پرونده‌های قضایی نباید تصمیمات قضایی را بر پایه فرمول صفر و یک اتخاذ نمود و آن چنان پیش رفت که رایانه با دریافت اطلاعات اشخاص و صرف نظر از موقعیت و وضعیت مالی و اجتماعی اطراف

دادرسی (به ویژه متهم در دادرسی کیفری) حکم را بر موضوعات اعمال نماید. در حقیقت، نباید منطق اقتاعی دادرسی را جایگزین منطق ریاضی رایانه نمود و بی توجه به مبانی و روح عدالت و انصاف ماشین وار رای صادر کرد.

چهارم، ایجاد امنیت در شبکه‌های تبادل اطلاعات الکترونیکی است به نحوی که هم هویت طرفین یا مخاطب به شکل قابل اطمینان قابل شناسایی باشد و هم حریم خصوصی افراد با استفاده از اینترنت و رایانه آشفته نگردیده و سرانجام هم این که ابزارهای مطمئن و موثق که از گواهی‌های استاندارد شبکه استفاده می‌کنند محیط سایبرنتیک امنی را برای متداعیین ایجاد نمایند. این امنیت شبکه باید هم در راستای امنیت شبکه در برابر درز اطلاعاتی باشد و هم یک انفورماتیک. باری، بدان سان که فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب تسهیل جریان اطلاعات و ارتباطات می‌گردند، به همان میزان نیز در برابر پیشرفت خود آسیب‌پذیرند. کرم‌های اختلال کننده شبکه و هکرهای مودی به راحتی می‌توانند از مرزهای نا امن شبکه گذر کرده و تمامی زندگی اجتماعی و خصوصی اشخاص را به چالش بکشند؛ چالشی که امروز با توسعه شبکه‌های اجتماعی و اقبال عمومی این شبکه‌ها عالمگیر شده است (ر.ک: مرسوف^{۳۸}، ۲۰۱۱: ۱۱۱-۱۳۲).

پنجم آن که اصولی همچون تعطیل ناشدنی بودن دادگستری باید همچنان صرف نظر از نقش رایانه حفظ گردد. پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات در دادگستری نباید به این نتیجه منتهی شود که روزی شاهد تعطیلی دادگستری و تجدید جلسات رسیدگی به دلیل اختلال در شبکه رایانه‌ای مدیریت پرونده قضایی باشیم. بر این پایه، باید حداقلی از تشریفات سنتی در رسیدگی‌ها حفظ شود و همواره نسخه‌ای از مهمترین اوراق پرونده به شکل مادی در دسترس باشد.

ششم، توجه به فرهنگی بودن نحوه استفاده از رایانه و فناوری اطلاعات و ارتباطات در جامعه. به عبارت بهتر، تشریفات زدایی مادی از دادگستری بیش از آن که مسئله‌ای فنی و حقوقی باشد به نظر آن چنان که گفته اند امری فرهنگی است (ر.ک: دیدیه و ساباته^{۳۹}، ۲۰۰۸). و تا زمانی که فرهنگ استفاده از این قبیل فناوری‌ها در جامعه

به درستی نهادینه نشده است، حرکت مقنن نیز باید محتاطانه و خردمندانه باشد. رعایت اصول دادرسی و حدود تشریفات‌زدایی به نوبه خود در تقویت این فرهنگ موثر است. از این رو، به منظور احتراز از بروز مشکلات جدی لازم است به هر روی به تشریفات‌زدایی به عنوان روش مکمل روش‌های سنتی نگریسته شود و صرفاً در توسعه استفاده از ابزارهایی که بدون تردید امکان جبران اشکالات در آن‌ها وجود دارد اهتمام ورزید.

هفتم که خود نتیجه لزوم توجه به فرهنگ استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات است، رعایت حدود توانایی اشخاص حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای در استفاده از فناوری را ایجاب می‌کند. نهادن تکالیف این نوع فناوری بر دوش اشخاص حرفه‌ای همچون وکلاء و کارشناسان آسانتر است از اشخاص عادی. اگر یکی از متداعیین ادعا کند که آمادگی و امکانات استفاده از این فناوری را در دادرسی ندارد سخنش قابل پذیرش است حال آن که چنین ادعایی از وکیل دادگستری یا کارشناس که باید خود را همگام با تحولات دادگستری پیش‌برد مسموع نیست. در حقوق ایران غیر از تحولات پیرامون مدیریت پرونده قضایی که بسیار سریع به وقوع پیوسته، اقدامات مربوط به تشریفات - زدایی مادی اندک اندک پیش می‌رود که در بند آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۳. نمونه‌هایی از تشریفات‌زدایی مادی در حقوق ایران

آن چنان که تبیین گردید در خصوص «سامانه مدیریت پرونده قضایی» دستگاه قضایی پیش از وضع قوانین مربوط اقدام به طراحی و سازماندهی آن نموده که به نحوی موجب حدوث تغییر جدی در نوع تشریفات از منظر پرونده الکترونیکی و استفاده از ابزار رایانه‌ای گردیده است. در کنار این تحول، رویکرد دستگاه قضایی در برابر استفاده فراگیر شهروندان از اینترنت و تلفن همراه رویکردی محتاطانه و در عین حال باز بوده است. تا قبل از سال ۱۳۸۸ علی‌رغم نبود نصی ویژه ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی در قوانین موضوعه، در ذیل فرم‌های دادخواست جدیدی که اداره کل تشکیلات و برنامه ریزی قوه قضاییه چاپ و منتشر نموده است به عنوان تذکر شماره یک نوشته می‌شد: «در صورتی که خواهان تمایل داشته باشد اوراق به صورت

حضوری (در دفتر دادگاه) یا از طریق تلفن یا نمابر یا پست الکترونیکی به وی ابلاغ شود، در پایان شرح دادخواست، با ذکر دقیق شماره‌های مربوط اعلام نماید، تا امر ابلاغ سریع‌تر صورت گیرد.» (فرم شماره ۲/۱۲۹۶/۱/۲۴/۲۲۰۱ اداره کل تشکیلات و برنامه ریزی قوه قضاییه). از این رویکرد می‌توان، از یک سو، گرایش دست‌اندرکاران امر قضاء در توافقی و ارادی کردن استفاده از شیوه‌های نوین تبادل اطلاعات را استنباط نمود که هم موافق رویه معمول به در برخی کشورهای اروپایی است و هم رد و اثر آن در متونی همچون اصول آیین دادرسی مدنی فراملی دیده می‌شود (در خصوص این گرایش ر.ک: محسنی، ۱۳۸۹: ۳۳۳-۳۳۴) و از سوی دیگر، باید آن را مطابق با حق دادخواهان در جلب اظهار نظر آنان در خصوص قبول این شیوه جهت ابلاغ دانست. مراجعه کنندگان به دادگستری با نوشتن نشانی پست الکترونیکی خود در ذیل دادخواست به این شیوه ابلاغ رضایت داده و حقوق آنان نسبت به شیوه ابلاغ سنتی نیز حفظ می‌گردید. با وجود این راهکار، ماده ۳۵ آیین نامه شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۶ صراحتاً پذیرش این وسیله نوین ارتباطی در شورا را با عنایت به ماده ۲۱ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۸ و تبصره ۱ آن که «نحوه ابلاغ» را در زمره «تشریفات دادرسی» دانسته (که تبعاً شیوه آن قابل تغییر است) توصیه نموده: «ابلاغ اوراق، آراء و تصمیمات شورا حسب مورد به صورت کتبی، نامه‌های الکترونیکی، تماس تلفنی، ارسال پیام کوتاه و مانند آن انجام خواهد شد به نحوی که برای اعضاء یا قاضی شورا اطمینان حاصل شود مخاطب از موضوع ابلاغ مطلع گردیده و الا باید کتبا انجام شود.» (ر.ک: روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۷۰ سال ۶۵، ۱۳۸۸/۱/۱۹). به ظاهر این ماده که منصرف از رضایت یا عدم رضایت متداعیین به این گونه شیوه‌ها تحریر شده است، بنا بر آن چه پیش از این بیان گردید، نباید اعتماد کرد. در این مورد نیز به نظر می‌رسد تا زمانی که شیوه سنتی ابلاغ و آگاهی رسانی هنوز منسوخ اعلام نگردیده جلب رضایت متداعیین برای ترتیب آثار قانونی به محض ابلاغ الکترونیک یا ارسال پیامک لازم باشد. در زمینه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی نیز بنا بر بند ه ماده ۱۴ آیین نامه مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ امکان ارسال اخطاریه‌ها و ابلاغیه‌ها با پست الکترونیک پیش بینی شده است که به نظر

باید از همان اصول تبعیت نماید. اگر چه اعتبار و سندیت این قبیل اقدامات نیز با وجود نبود مقررۀ قانونی ویژه، به نظر مستندا به موادی از قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ (از جمله مواد ۶، ۷، ۸، و ۹ آن) توجیه شدنی است اما، شایسته‌تر آن است که مقنن در این زمینه و نیز در خصوص الزام به ایجاد شبکه ارتباطی مطمئن و امن در دستگاه قضایی مقرراتی وضع نماید (برای مطالعه ر.ک: شهبازی‌نیا و عبدالحی، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۴۱).

برخلاف آن چه که پیرامون ابلاغ الکترونیکی در دادرسی بیان گردید، قوه مقننه به تشریفات زدایی مادی در زمینه بایگانی اسناد و مدارک پرونده‌های قضایی به طور ویژه توجه نموده است. به موجب ماده ۱۳۱ «قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ که مقرر می‌دارد: «به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود: الف) بر اساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آن‌ها ضروری می‌باشد را با استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعاتی روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحای آن‌ها اقدام نماید. مشروط بر آن که حداقل سی سال از مدت بایگانی قطعی آن‌ها گذشته باشد. اطلاعات و اسناد تبدیلی در کلیه مراجع قضایی و اداری سندیت داشته و قابل استناد خواهد بود. اصل پرونده‌های مهم و ملی که جنبه سندیت تاریخی دارد، توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران حفظ و نگهداری خواهد شد». در این راستا و به منظور تحقق این اهداف تصویب «آیین‌نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی» ۱۳۸۵/۹/۲۱ (ر.ک: روزنامه رسمی شماره ۱۷۳۷۵ سال ۶۰ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۹) توسط رییس وقت قوه قضائیه (ر.ک: روزنامه رسمی شماره ۱۸۰۶۶ سال ۶۳، مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۴) و دستورالعمل ماده ۱۵ اصلاحی آیین‌نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸/۴/۳۱ مصوب رییس کنونی قوه قضائیه (ر.ک: روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۷ سال ۶۵، مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۸)، گام‌های مهمی در

این زمینه به شمار می‌آیند که در جای خود قابل بررسی هستند^{۴۰}. مقررات ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳ عیناً در قسمت ۳ بند ح ماده ۲۱۱ برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ از سر گرفته شده است که نشان دهنده اراده جدی مقنن در تشکیل بایگانی الکترونیکی خاص از پرونده‌های قضایی دارد. این کار علاوه بر این که موجب صرفه جویی در هزینه‌های نگهداری پرونده‌های کهنه و فرسوده می‌شود، می‌تواند زمینه را برای تحقیق و پژوهش بر روی اسناد و آرای قضایی فراهم آورد.

برآیندها

دستگاه قضایی علی‌رغم انعطاف ناپذیری و محافظه کاری از پیشرفت فناوری اطلاعات ارتباطات و توسعه استفاده از رایانه و اینترنت و شبکه مصون نبوده است. در حقیقت منطبق ارزیابی نتیجه محور و توجه به کارآمدی اعمال و اقدامات موجب می‌گردد تغییر و تبدیل در روش‌ها ساده‌تر توجیه شود که به کارگیری سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی و نتیجتاً تشریفات زدایی مادی از دادرسی و آیین آن نمود بارز این تحولات است. مدیریت پرونده‌های قضایی در نظام حقوقی ایران جایگاه مناسبی دارد و نظام قضایی در پذیرش و طراحی و اجرای آن پیشتاز بوده است اگر چه برخی نواقص هنوز در کار دیده می‌شود و پژوهشگران و دانشگاهیان منتظر دریافت نتیجه دست‌آوردهای اعلام شده در مدت اجرای سراسری از سال ۱۳۸۷ هستند تا کارآیی این سامانه را مورد تحلیل قرار دهند. به هر روی، به اهمیت این نوع مدیریت در قوانین توسعه‌ای کشور نیز توجه شده است. در تشریفات زدایی مادی از دادگستری است که با هدف حذف تشریفات مادی و کاغذی در دادرسی و آیین انجام می‌شود مقنن باید بسیار محتاطانه و خردمندانه عمل کند. تشریفات زدایی مادی اگر چه در رعایت اصول دادرسی و حداقل‌ها همچون تشریفات زدایی حقوقی است اما ویژگی رایانه‌ای و نرم آن ایجاب می‌کند در اجرای آن رعایت برخی حدود که در مجموع موجب حمایت از طرف ضعیف تر در برابر آسیب‌های توسعه فناوری می‌شود رعایت گردد مانند حق متداعین نسبت به روش سنتی، ایجاد تناسب میان زمان رایانه و زمان انسان، جلوگیری

از دخالت هوش ناپویا در تصمیم‌گیری قضایی، امنیت شبکه و حفظ حریم خصوصی، جلوگیری از اختلال در شبکه و تعطیلی دادگستری، توجه به ویژگی تکمیل‌کننده بودن این ابزارها در کنار ابزارهای مادی تا زمانی که فرهنگ استفاده از این ابزارها به درستی فراگیر نشده است و رعایت حدود توانایی اشخاص حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای.

پی‌نوشت

1. Case Management System (CMS)
2. Déformalisation
3. Information and Communication Technology (ICT)
4. Saxby
5. Cadiet
6. New Public Management Theories
7. Lamarzelle
8. Forthier
9. Schjøllberg
۱۰. Internet همان سامانه فراگیر شبکه‌های ارتباط متقابل رایانه‌ای است که از ضوابط Internet Protocol Suite برای خدمت‌رسانی به بیلیون‌ها کاربر در سراسر جهان استفاده می‌کند. منظور از Intranet شبکه رایانه‌ای خصوصی است که از فناوری پروتکل اینترنتی به طور داخلی استفاده کرده و شبکه مشترکی را برای کاربران خاص یک سازمان فراهم می‌آورد. مانند اینترنت شبکه داخلی دبیرخانه و گردش مکاتبات دانشگاه تهران.
11. Woolf.
12. Raine.
13. Practice Direction 5B – Electronic Communication and Filing of Documents.
14. La loi organique relative aux lois de Finance, n° 2001-692 1^{er} août 2001 (LOLF).
15. Marshall.
16. Logique de performance et de résultats.
17. Logique de moyens.
18. Commission européenne pour l'efficacité de la justice (CEPEJ).
19. Velicogna.
20. La plateforme e-barreau.
21. A. 30 mars 2011 : JO 31 mars 2011, p. 5600.
22. Case Management/Electronic Case Filing (CM/ECF).
23. Administrative Office of the United States Courts (AOUSC).
24. Portable Document File (PDF).
25. Wallton & McDow.

26. Benyekhelf & Gélinas.

27. Branting.

28. Public Access to Court Electronic Records (PACER).

29. Management Information System or Management Information Service.

۳۰. مجتمع قضایی عدالت یکی از مجتمع‌های شانزده‌گانه تهران است که در میدان تجریش و خیابان شهید فناخسرو واقع بوده و به عنوان «مجتمع قضایی الکترونیکی» شناخته می‌شود. این مجتمع از بدو تاسیس محل اجرای پایلوت سامانه مدیریت پرونده قضایی بوده است. اکنون در این مجتمع، علاوه بر دریافت نسخه کاغذی اوراق قضایی که بلافاصله اسکن و الکترونیکی شده و در پرونده الکترونیکی قرار داده می‌شود، حسب مورد متن الکترونیکی شکایات و دادخواست‌ها و لوائح اظهارنظرها در دفتر شعبه هر دادگاه به صورت لوح فشرده یا کلید حافظه فلش دریافت می‌شود.

۳۱. در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۲ امکان ثبت دادخواست از طریق این سامانه و دریافت کد رهگیری برای مراجعه کنندگان پیش بینی شده است. ر.ک: <http://www.adliran.ir/News.aspx?ID=1> (دیده شده در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۴).

۳۲. اخیراً نیز در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۲ آیین نامه‌ای در اجرای بند ۶ سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله ابلاغ شده در ۱۳۸۸/۹/۱ و بند ج ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه کشور و تبصره بند ج ماده ۱۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ و در راستای رفع اطلاع دادرسی، تسریع در امور جاری محاکم و پیشگیری از وقوع جرم، آیین نامه‌ای به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد که به «آیین نامه خدمات قضایی در فضای مجازی» مشهور است (ر.ک: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، سال ۶۸، شماره ۱۹۵۹۷، مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۷). بر همین اساس، به نقل از رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه از روز دوشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۱ دادرسی‌ها و دادگاههای مناطق شمال تهران مانند مجتمع عدالت و شهید صدر و دادرسی‌های شمیران، ونک و سعادت آباد دادخواست و ثبت شکایت در مورد چک را قبول نکرده و شهروندان باید به دفاتر خدمات الکترونیکی قضایی مراجعه کنند. ر.ک:

<http://www.eadl.ir/Default.aspx?tabid=363&articleType=ArticleView&articleId=22566> (دیده شده در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۷)

33. Numérisation ou digitalisation des procédures.

34. Guinchard.

35. Tapper.

36. Kohl.

37. Croze.

38. Marsoof.

39. Didier & Sabater.

۴۰. در حقیقت به موجب این قوانین و مقررات بوده است که مدیرکل دبیرخانه قوه قضاییه در هجدهمین اجلاس مدیران دبیرخانه قوای سه گانه تاکید نموده است که با تهیه بایگانی الکترونیکی پرونده‌های قوه قضاییه بیش از ۱۹ تن پرونده موجود در بایگانی این قوه امحا گردیده است.

منابع

الف. فارسی

آیین‌نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران موضوع نحوه حفظ اسناد و اوراق پرونده‌های قضائی که نگهداری سوابق آن‌ها ضروری می‌باشد مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۱ رئیس قوه قضاییه، روزنامه رسمی شماره ۱۸۰۶۶ سال ۶۳، مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۴.

آیین‌نامه شوراها حل اختلاف مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۶، روزنامه رسمی شماره ۱۸۶۷۰ سال ۶۵، ۱۳۸۸/۱/۱۹.

آیین‌نامه مشهور به آیین‌نامه خدمات قضایی در فضای مجازی، مصوب ۱۳۹۱/۳/۲۲ رئیس قوه قضائیه، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، سال ۶۸، شماره ۱۹۵۹۷، مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۷.

دستورالعمل ماده ۱۵ اصلاحی آیین‌نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸/۴/۳۱ رئیس قوه قضاییه. روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۷ سال ۶۵، مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۸.

شاهسوند، مهدی؛ خجسته‌بخت، مجتبی (۱۳۸۸). سیستم مدیریت پرونده های قضایی. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

شهبازی نیا، دکتر مرتضی؛ عبدالهی، محبوبه. (۱۳۸۸). احراز اصالت در اسناد الکترونیکی. فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۳ (۴)، زمستان.

طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۸۲). «فناوری ارتباطی و اطلاعاتی؛ جهانی شدن و پیامدهای سیاسی آن». پژوهش حقوق و سیاست، ۵ (۸)، بهار و تابستان.

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب

۱۳۸۹/۱۰/۱۵. روزنامه رسمی شماره ۱۹۲۰۴ - مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۴.

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱. روزنامه رسمی شماره ۱۷۳۷۵ سال ۶۰ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۹. محسنی، حسن (۱۳۸۵). «مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمییز این اصول از تشریفات دادرسی». مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید شماره ۲۳ و ۲۴، شماره پیاپی ۱۹۲ و ۱۹۳.

محسنی، حسن (۱۳۸۹). اداره جریان دادرسی مدنی، بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی. با مقدمه دکتر ناصر کاتوزیان، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب. فرانسه

Arrêté du 25 septembre 2008 portant application anticipée pour la procédure devant le tribunal de grande instance des dispositions relatives à la communication par voie électronique, NOR: JUSB0821913A.

Arrêté du 30 mars 2011 relatif à la communication par voie électronique dans les procédures avec représentation obligatoire devant les cours d'appel, NOR: JUST1108798A.

Arrêté du 7 avril 2009 relatif à la communication par voie électronique devant les tribunaux de grande instance, NOR: JUSC0907573A.

CADIET, Loïc (2008). "Case management judiciaire et déformalisation de la procédure". in: **Revue française d'administration publique**. 2008/1 (n° 125).

Commission européenne pour l'efficacité de la justice (CEPEJ). (2010) *Efficacité et qualité de la justice*.

CROZE, Hervé (2009). "Le progrès technique de la procédure civile". **JCP/ La semaine juridique – édition générale N° 5**.

Décret n°2005-1678 du 28 décembre 2005 relatif à la procédure civile, à certaines procédures d'exécution et à la procédure de changement de nom. NOR: JUSC0520938D.

DIDIER, Guillaume et Gérard SABATER (2008). "Dématérialisation des procédures: «une révolution culturelle est nécessaire»",

JCP – éd. G, n° 8, 20 Février, I 118.

- FORTIER, Vincent (2002). L'applicabilité de la norme ISO 9001 à l'activité judiciaire. in: **La qualité de la justice, Marie-Luce CAVROIS, Hubert DALLE, Jean-Paul JEAN (sous la dir. de), Paris, La Documentation française, (Coll. Perspectives sur la justice).**
- GUINCHARD, Serge (2006). "Une procédure numérisé et communautarisé dans une justice mondialisé, modernisé et ... responsabilité ?, in: Répertoire de procédure civile". **Cahier de l'actualité, 2006-1, Encyclopédie juridique Dalloz.**
- LAMARZELLE, Denys, (2008). "Le management public en Europe". **disponible: <<http://www.unilim.fr/prosreur/fr/prosreur/ressources/management/index.htm>>**
- Loi organique n°2001-692 du 1 août 2001 relative aux lois de finances, NOR: ECOX0104681L.**
- MARSHALL, Didier, (2008). "L'impact de la loi organique relative aux lois de finances (LOLF) sur les juridictions". in: **Revue française d'administration publique, 2008/1 (n° 125).**
- ج. انگلیسی
- BENYEKHELF, Karim & Fabien GELINAS (2005). "Online Dispute Resolution". in: **LexElectronica, 10 (2).**
- BRANTING, L. Karl (1998). "Techniques for Automated Drafting of Judicial Documents". in: **Oxford International Journal of Law & Information Technology, 6 (2).**
- KOHL, Uta (1999). "Legal Reasoning and Legal Change in the Age of the Internet – Why the Ground Rules are Still Valid". in: **Oxford International Journal of Law & Information Technology, 7 (2).**
- MASROOF, Althaf (2011). "Online Social Networking and the Right to Privacy: The Conflicting Rights of Privacy and Expression". in: **Oxford International Journal of Law & Information Technology, 19 (2).**
- RAINE, John. W. (2001). "Modernising Courts and Tribunals Through ICTs – Lessons from the London Parking Appeals Service". in: **Oxford International Journal of Law & Information Technology, 9 (2).**
- SAXBY, Stephen (1994). "A Jurisprudence for Information

- Technology Law”. in: **Oxford International Journal of Law & Information Technology**, 2 (1).
- SCHJØLBERG, Stein (1998). “Judicial Support Systems from a Judge’s Perspective”. in: **Oxford International Journal of Law & Information Technology**, 6 (2).
- TAPPER, Colin (1995). “*Reform of the Law of Evidence in Relation to the Output from Computers*”. in: **Oxford International Journal of Law & Information Technology**, 3 (1).
- VELICOGNA, Marco (2007). “Use of Information and Communication technology in European Judicial System”. **CEPEJ Study No 7, Strasbourg**.
- WALTON, Donald F. & McDOW, W. Clarkson (2002). “Entering the Twenty-First Century: Some Views on Electronic Case Filing from the U.S. Trustee's Perspective”. in: **American Bankruptcy Institute Journal**, 3 (XXI).
- WOOLF, Lord Harry (1996). “Access to Justice: Final Report to the Lord Chancellor on the Civil Justice System in England and Wales”. available at: <<http://www.dca.gov.uk/civil/final/index.htm>>